حادثه‌ها

مرگ ۷ نفر در آتش ۶ خودرو

● معاون عملیات امداد و نجات از حریق شش خودرو در محور سنندج - مریوان خبر داد و گفت: بر اثر این حادثه هفت مسافر در آتش سوختند. شاهین فتحی در ارتباط با حریق شش خودرو در سنندج گفت: این حادثه ساعت ۲۲ سه‌شنبه در ۷۰کیلومتری محور سنندج - مریوان بعد از روستای نگل به وقوع پیوست. وی با اشاره به اینکه دو دستگاه تریلی حاوی سوخت با چهار خودروی مگان، آزرا، پراید و سایپا برخورد کردند و در نتیجه هر شش خودرو طعمه حریق شدند، اظهار کرد: بر اثر این حادثه هفت مسافر در آتش سوختند. معاون عملیات امداد و نجات خاطرنشان کرد: دو نفر از مصدومان از سوی نیروهای هلال‌احمر به نزدیک‌ترین مرکز درمانی انتقال یافتند.

انهدام ۳۵ باند سرقت در پایتخت

● جانشین رئیس پلیس پایتخت از انهدام ۳۵ باند سرقت در پایتخت خبر داد. سردار قادر کریمی در حاشیه اجرای طرح دستگیری سارقان گفت: با اجرای طرح امنیت محله‌محور روز گذشته ۱۵۳ نفر از سارقان و زورگیران در سطح پایتخت دستگیر شدند که ۸۵ نفر از این افراد را سارقان زورگیر شامل می‌شوند. وی درباره سابقه کیفری این افراد گفت: ۶۱ درصد از دستگیرشدگان سابقه کیفری دارند. به گفته جانشین رئیس پلیس پایتخت، در میان بازداشت‌شدگان تعدادی تحت عنوان مأمور، سرقت می‌کردند. وی درباره حوزه فعالیت این افراد نیز گفت: این افراد در تمام سطح پایتخت فعالیت داشتند اما عمده اقداماتشان در جنوب و حاشیه پایتخت بود. جانشین رئیس پلیس پایتخت اظهار کرد: در نیمه نخست امسال در حوزه سرقت کاهش ۱۲درصدی سرقت را داشتیم. کریمی درباره خودروهای سرقتی نیز با بیان اینکه ۹۰ درصد از این خودروها در پایتخت کشف می‌شوند، اظهار کرد: ۷۰ درصد سرقت خودروها و ۶۰ درصد سرقت داخل خودروها نیز کشف می‌شود.

دستگیری سارقان مسلح نوجوان

● سه نوجوان که اقدام به سرقت مسلحانه از یک مغازه در سطح شهر اندیمشک کرده بودند، شناسایی و دستگیر شدند. صادق جعفری‌چگنی، دادستان عمومی و انقلاب اندیمشک گفت: این سارقان حدود دو هفته پیش با تهدید سلاح گرم و سرد از فروشگاهی در اندیمشک سرقت کردند و متواری شدند. وی اظهار کرد: با تلاش شبانه‌روزی بازپرس ویژه و معاونت آگاهی، عوامل این سرقت از طریق تصاویر دوربین‌های مداربسته و سایر سرنخ‌ها شناسایی و دستگیر شدند. دادستان اندیمشک افزود: این سه نفر پس از دستگیری به جرم ارتکابی اقرار کردند و تحقیق مقدماتی برای تکمیل پرونده آنان در حال انجام است.

قاتل جوان ۲۵ ساله دستگیر شد

● جوان ۲۵ساله بوکانی که به دلیل اختلاف خانوادگی به قتل رسیده بود، در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر شد. سرهنگ بهزاد بندریان، فرمانده انتظامی بوکان از توابع استان آذربایجان غربی، گفت: دو جوان بوکانی در منطقه امیرآباد این شهر به دلیل اختلاف خانوادگی با هم درگیر شدند که در جریان این درگیری یکی از طرفین دعوا به نام (خ-م) بر اثر ضربات چاقو از ناحیه شکم و سینه مجروح و به بیمارستان شهید قلی‌پور بوکان منتقل شد ولی به‌علت شدت جراحات در بیمارستان فوت کرد. وی ادامه داد: طبق بررسی مشخص شد، مقتول به وسیله یکی از بستگان خود که با هم اختلاف داشتند، به قتل رسید. وی درباره علت و انگیزه قتل گفت: خصومت شخصی و اختلاف خانوادگی با مقتول انگیزه قتل بوده چراکه قاتل پیش از این، خواستگار دخترعمویش بود. سرهنگ بندریان افزود: قاتل صبح سه‌شنبه به وسیله نیروهای انتظامی شهرستان بوکان دستگیر و تحویل مقام قضائی شد.

۲ جوان هم‌زمان خود را حلق‌آویز کردند

● دو جوان ۲۵ تا ۳۰ ساله که با هم در شغل مکانیکی شریک بودند، هم‌زمان در دره عباس‌آباد همدان و با طناب قرمز خود را حلق‌آویز کردند. سرهنگ پژمان قویمی، فرمانده انتظامی شهرستان همدان، به خبرآنلاین گفت: ساعت ۶:۲۵ دقیقه صبح سه‌شنبه تعدادی از کوهنوردان که در حال عبور از دره عباس‌آباد «حد فاصل بلوار ارم به سمت تپه عباس‌آباد» بودند، با مشاهده حلق‌آویزبودن این دو جوان با طناب قرمز به درخت، بلافاصله با مأموران انتظامی همدان تماس گرفتند. وی خاطرنشان کرد: در پی این تماس تلفنی، در اسرع وقت مأموران انتظامی با همراهی پلیس آگاهی، پزشکی قانونی و مقام قضائی در صحنه حاضر شدند و طبق دستور بازپرس، برای پایین‌آوردن اجساد و انتقال آنها به پزشکی قانونی اقدام شد. فرمانده انتظامی شهرستان همدان در ادامه با اشاره به اینکه این دو جوان ۲۵ تا ۳۰ ساله با لباس کار حلق‌آویز شده بودند، گفت: این دو نفر با هم در شغل مکانیکی شراکت داشتند. سرهنگ قویمی یادآور شد: هنوز علت اصلی اقدام این دو جوان مشخص نیست و با بررسی‌های لازم و گزارش پزشکی قانونی، اطلاعات تکمیلی که آیا این اتفاق خودکشی بوده یا قتل به اطلاع مردم خواهد رسید.

گفت‌وگو با جوان محکوم به قصاص که با کمک نیکوکاران از زندان آزاد شد

هر روز فکر می‌کنم دوباره متولد شده‌ام

شرق، شاهد حلاج نیشابوری: جوانی که به طور ناخواسته وارد نزاعی مرگ‌بار شده و به اتهام قتل حکم قصاص دریافت کرده بود، با کمک‌های مردمی و رضایت اولیای دم به طور کامل از اعدام نجات پیدا کرد. اسماعیل که با نام مستعار علی معرفی می‌شد، تابستان سال ۹۱، زمانی که ۲۷ ساله بود و به عنوان تعمیرکار خودروهای سنگین کار می‌کرد، با چند نفر از همکاران خود از عسلویه که محل کارشان بود، به سمت ممسنی می‌رفت که یکی از این افراد برای شوخی گوشی موبایل خود را در جیب علی که خواب بود گذاشت و سپس به او اتهام سرقت زد. این اتفاق در دو مرحله باعث نزاع دسته‌جمعی شد و در نهایت با وقوع قتل، علی به عنوان متهم اصلی بازداشت و در روند رسیدگی قانونی به پرونده، به قصاص محکوم شد. او پاییز سال گذشته، با گذشت مشروط اولیای دم مقتول از مرگ فاصله گرفت، اما رهایی کامل او از چوبه دار به پرداخت مبلغی برای ساخت حسینیه‌ای به یاد مقتول مشروط شد.

روزنامه «شرق» در چند نوبت داستان زندگی این جوان را منتشر و به نقل از خانواده او برای تهیه دیه درخواستی اولیای دم از مردم کمک خواست تا اینکه نیکوکاران این متهم را از چوبه دار نجات دادند. اسماعیل اکنون در ۳۱ سالگی از زندان آزاد شده است. در ادامه مصاحبه با اسماعیل را می‌خوانید که به‌تازگی پس از گذراندن مدت دوران محکومیت خود به عنوان مجازات جنبه عمومی جرم قتل، آزاد شده است.

چند وقت است آزاد شده‌ای؟ بعد از آزادی چه کرده‌ای؟ از این روزهایت بگو.

یک ماه است آزاد شده‌ام، اما برای کار هرجا رفتم، گواهی عدم سوءپیشینه از من خواستند. الان آزاد شده‌ام، اما هنوز درگیر همان ماجرا هستم، خودم را به آب‌وآتش می‌زنم تا آن را حل کنم؛ مثلا بخش عمده پولی که بابت دیه باید می‌دادیم، نقد پرداخت شد، اما پدرم چک صدمیلیون‌تومانی برای باقی‌مانده مبلغ دیه داده است که موعد آن فروردین سال ۹۶ است. امیدوارم جوری نشود که جلوی پدرم شرمنده شوم و او به خاطر چکی که برای دیه من داده است زندان برود. نمی‌دانم چه کنم، اما از همه آنهایی که کمک کردند و یاری رساندند تشکر می‌کنم. شرایط خیلی سختی بود. هرچند وقت یک‌بار یکی از دوستانم که با آنها هم‌بند بودم اعدام می‌شدند. در چنین شرایطی، آدم احساس می‌کند روزبه‌روز به خدا نزدیک‌تر می‌شود. در این مدت به رازهایی پی بردم، اگر پول کسی را بخوری و کلاهبرداری کنی، دو برابر به تو ضرر می‌رسد. خیلی‌ها این بلا سرشان می‌آید، اما خودشان را به آن راه می‌زنند. چیز دیگری که به آن پی بردم این بود که هر چقدر به یک مستحق کمک کنی، ۱۰ برابر آن گیرت می‌آید که آدم‌ها اسم اولی را بدشانسی و دومی را شانس می‌گذارند. این دنیا محل بده‌بستان است. در مجموع می‌توانم بگویم «به دریا رفته می‌داند مصیبت‌های توفان را» من دقیقا در بطن توفان بودم. وقتی می‌گفتند فلانی اعدام شد، با خودم می‌گفتم کی نوبت من می‌شود؟ یک دفعه خودم در همان شرایط قرار گرفتم که دیدم بین مرگ و زندگی هستم. وقتی در چنین شرایطی قرار داری خدا واقعیت‌هایی را برایت روشن می‌کند.

چند وقت زندان بودی و آنجا چه می‌کردی؟

چهار سال و هفت ماه. سرگرمی‌ام شده بود قرآن‌خواندن. الان سه جزء قرآن را حفظ هستم و زیارت عاشورا و دعای حضرت ولیعصر را هم در زندان حفظ کردم. همچنین به بچه‌هایی که خالصانه می‌آمدند، قرآن تدریس می‌کردم.

برای پیشبرد زندگی‌ات چه کردی؟

من وقتی زندان رفتم، دیپلم مکانیک داشتم، در آنجا حدود یک سال درس خواندم و مدرک پیش‌دانشگاهی گرفتم و قصد ادامه تحصیل داشتم، اما آنجا امکان برگزاری کلاس‌هایی که نیاز داشتم وجود نداشت و باید بیرون ثبت‌نام می‌کردم؛ اما به خاطر مشکلات پولی در محدودیت قرار گرفتم.

از وقتی بیرون آمدی، برای کار چه کرده‌ای؟

فعلا می‌خواهم در زمینه شغل خودم که مکانیک ماشین‌های سنگین مثل لودر و بولدوزر است، کار کنم؛ اما فعلا نتوانسته‌ام کار پیدا کنم و سرمایه هم ندارم که برای خودم مغازه بگیرم یا مثلا گاراژ اجاره کنم، لااقل ۵۰ شاید هم صد میلیون لازم است.

یعنی الان بی‌کار هستی؟

بی‌کارم. در این یک ماه جاهای زیادی رفتم، اما نتوانستم شغل ثابتی پیدا کنم. فعلا با آچار قرضی از رفقا تعمیرکار سیار هستم تا ان‌شاءالله بعدا جایی مشغول شوم.

در این مدت یک ماه دستمزدی هم گرفته‌ای؟

چند روز پیش رفتم بوشهر یک لودر بود تعمیر کردم ۴۰۰ هزار تومان دستمزد گرفتم. باید یک سرمایه جزئی داشته باشم؛ چون ابزار لازم دارم و ابزار است که کار را انجام می‌دهد.

در زندان شغلی هم یاد گرفتی؟

در کارگاه صنایع دستی کار می‌کردم. الان بلدم با چوب معرق‌کاری کنم، کیف ببافم و همین طور بافت روسری و شال را هم یاد گرفتم. در زندان ورزش هم می‌کردم و زورخانه می‌رفتم. البته چند کلاس دیگر هم رفتم و مدارکش را گرفتم.

آیا رفتار و اندیشه تو به خاطر این اتفاقات تغییر کرده است؟

به طرفین دعوا می‌گویم در اشتباه هستید. الان فکر و ذکرتان این است، اما تا آخر عمر رنگ خوشبختی را نخواهید دید. در دنیایی که باید پیام صلح و دوستی داد، شما چرا دعوا می‌کنید؟ اگر دست کسی را بشکنی، ۱۰ برابر آن زجر می‌کشی و آبروی خودت و بقیه می‌رود. چه برسد به اینکه درگیر ماجرای یک قتل شوید. الان به خاطر اتفاقی که افتاده پشیمانم، اما این ماجرا دید و زندگی من را عوض کرده است، فکرم هم عوض شده است و خدا را به خاطر تلنگری که به من زد شاکرم. من فهمیدم زندگی و انسانیت چیست، الان من به این رسیده‌ام که «آدمی را آدمیت لازم است».

در این مدت که بی‌کار بودی چه می‌کردی؟

می‌رفتم به دل طبیعت و درختان را آب می‌دادم یا پلاستیک‌های زباله‌ای را که دیگران ریخته بودند جمع می‌کردم. البته قبل از زندان هم این کار را می‌کردم. اما الان بیشتر؛ چون این حس‌وحال را آن موقع نداشتم. فکر می‌کنم ما باید جوری زندگی کنیم که نوعی فرهنگ از ما به جا بماند.

در روزنامه‌ها در مواردی که یک محکوم به قصاص موفق به دریافت بخشش اولیای دم شود، تیتر می‌زنند: تولد دوباره، زندگی دوباره، نجات اعدامی و...، نظر خودت چیست؟

واقعا هر روز چشمم را که باز می‌کنم، خدا را شکر می‌کنم که دوباره متولد شدم و زندگی دوباره یافتم، از خدا تشکر می‌کنم که زندگی دوباره به من داده است و امیدوارم جوری زندگی کنم که شرمنده خدا و بنده خدا نشوم، البته برای مستحقان، نیازمندان و بیماران هم دعا می‌کنم.

برای خودت چه می‌خواهی؟

می‌گویم خدایا تو من را برگرداندی، خودم و زندگی‌ام را به تو سپرده‌ام و خیر و صلاحم را از تو می‌خواهم. برای افراد خیر، چه افرادی که به من کمک کردند و چه به افراد نیازمند دیگر کمک می‌کنند، دعا می‌کنم و از خدا خواسته‌ام خواسته‌هایشان را اجابت کند و از مال و ثروت را نصیب افرادی کند که استحقاقش را دارند.

اگر جایی باشی که دعوا باشد چه می‌کنی؟

مطمئن باشید رفتارم صددرصد تغییر کرده است. می‌روم جلو و می‌گویم من باید آینه عبرت شما باشم. من راهی را که شما در آغاز آن هستید، رفته‌ام.

اگر جایی حرفی از این تجربه تو شود چه می‌گویی؟

اصلا نمی‌خواهم راجع به این موضوع با کسی صحبت کنم؛ چون یادآوری آن برایم زجرآور است، اما اگر احساس کنم تعریف‌کردن ماجرا بر اطرافیان و حاضران تاثیر دارد تا اندازه‌ای می‌گویم که بتوانم تاثیر بگذارم و وقتی ببینم حرفم را رسانده‌ام، چون حال خودم بد می‌شود و نمی‌خواهم حال دیگران را هم بد کنم، تمامش می‌کنم.

الان با توجه به سابقه‌ای که داری چه می‌خواهی بکنی؟

وقتی چند جا رفتم و گفتند برای استخدام گواهی عدم سوءسابقه لازم است، رفتم پیش دادستان، او گفت در برگه سوءسابقه ثبت خواهد شد که فقره قتل عمدی. گفتم با این شرایط که کسی به من کار نمی‌دهد و از دادستان خواستم کمکی بکند. او هم گفت اگر چند سال بگذرد و من جرمی مرتکب نشوم نامه‌ای به من می‌دهند که بتوانم با آن بروم سر کار. من از همین الان می‌گویم مطمئن باشید هیچ وقت دیگر چنین اتفاقی نمی‌افتد و دوروبر خودم هم نمی‌گذارم اتفاق بدی بیفتد.

قتل مادر به خاطر گوشی موبایل

«موبایلم در خانه گم شده بود، عصبانی بودم، با مادرم درگیر شدم و او را کشتم!» اینها بخشی از اعترافات جوانی است که چند روز قبل مادرش را در شیراز کشت. چند روز قبل مأموران یکی از کلانتری‌های شیراز از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ در جریان یک فقره فوت مشکوک قرار گرفتند. با حضور مأموران کلانتری در محل و تأیید خبر مراتب به بازپرس کشیک قتل دادسرای امور جنایی و پلیس آگاهی اعلام شد. با حضور بازپرس دادسرای امور جنایی، عوامل تشخیص هویت و تیم بررسی صحنه جرم اداره پلیس آگاهی در محل، تحقیقات درباره این پرونده آغاز شد. در بررسی‌های مقدماتی مشخص شد جسد متعلق به زنی میان‌سال است که غرق در خون گوشه‌ای افتاده بود. با آغاز تحقیقات در صحنه، جسد قربانی به پزشکی قانونی انتقال یافت. در تحقیقات مشخص شد زن میان‌سال به وسیله پسرش به قتل رسیده است. بار دیگر تحقیقات فنی از خانواده قربانی در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت و در نهایت پسر این زن که چاره‌ای جز بیان حقیقت ندیده بود، لب به اعتراف گشود و به قتل مادرش اعتراف کرد. وی در اعترافات خود به کارآگاهان گفت: من و مادرم مدام سر موضوعات مختلف با هم درگیر می‌شدیم. روز حادثه تلفن همراهم در خانه گم شده بود، از این موضوع عصبانی بودم و با او درگیر شدم. گم‌شدن موبایل مرا بسیار عصبانی کرده بود و با او شروع به جر و بحث کردم که ادامه آن منجر به درگیری میان ما شد. وی ادامه داد: زمانی که از هم جدا شدیم و مادرم نشست، بلوک سیمانی را به سمت او پرتاب کردم که در نهایت منجر به مرگش شد. با توجه به اعتراف صریح متهم به قتل مادرش، او با قرار بازداشت از سوی مقام قضائی در اختیار اداره پلیس آگاهی قرار گرفته است. به گزارش خبر جنوب پرونده این پسر هم‌اکنون در دادسرای جنایی شیراز نزد بازپرس درخشان در دست بررسی است و به‌زودی این پرونده با رفع زوایای پنهان جنایت با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست برای صدور حکم نهایی به دادگاه کیفری ارسال می‌شود.

پنج قاره

پدر عروس در مراسم ازدواج ۱۶ نفر را کشت

● منابع محلی در یمن از کشته‌شدن ۱۶ زن و کودک در پی انفجار نارنجک در یک مراسم عروسی در این کشور، خبر دادند. انفجار دو نارنجک در یک مراسم عروسی در شهر یریم، به کشته‌شدن ۱۲ زن و چهار کودک منجر شد. همچنین در جریان این انفجار، ۲۰ زن دیگر زخمی شدند. گفته شده پدر عروس که دچار مشکلات روانی بوده، اقدام به پرتاب نارنجک در مراسم کرده است. در پی انفجار این دو نارنجک، مادر و مادربزرگ عروس نیز جان خود را از دست دادند.

۱۸ کشته در پی تصادف اتوبوس

● سقوط یک اتوبوس به دره‌ای در نپال، ۱۸ کشته و ۱۳ زخمی بر جای گذاشت. این اتوبوس که از کاتماندو عازم روستای لاپانگ‌پدی، در صدکیلومتری پایتخت بود، ساعت ۱۱:۴۵ دیروز با سقوط به دره ۵۰۰متری، ۱۸ مسافر خود را از دست داد و ۱۳ نفر دیگر نیز به‌شدت زخمی شده و با چند بالگرد به بیمارستان منتقل شدند. به گفته یکی از مأموران پلیس، نیروهای امداد و مردم محلی بلافاصله برای نجات قربانیان، در محل حادثه حاضر و مصدومان نیز برای درمان به بیمارستان «دامولی» منتقل شدند. رئیس سازمان حوادث غیرمترقبه نپال، علت اصلی بروز این حادثه را تخریب جاده باریک و کوهستانی منطقه به دلیل رانش زمین، عنوان کرد و افزود: اتوبوس بیش از ظرفیت مسافر داشت و جاده به علت دو روز بارندگی پی‌درپی، لغزنده شده و از قبل نیز دچار رانش شده بود.

کشته و زخمی‌شدن ۲۷۳ نفر در توفان تایوان

● توفان سهمگین «مگی» که از دو روز پیش منطقه تایوان در چین را تحت‌تأثیر خود قرار داده بود، باعث کشته و زخمی‌شدن ۲۷۳ نفر شد. این توفان که از آن به‌عنوان یکی از شدیدترین توفان‌های سال جاری میلادی نام برده می‌شود، با سرعت ۲۰۰ کیلومتر بخش‌های وسیعی از تایوان را درنوردید و براساس آخرین آمارها، باعث مجروح‌شدن ۲۶۸ نفر و کشته‌شدن پنج نفر شده است. همچنین بر اثر این توفان، نزدیک به شش هزار نفر مجبور به تخلیه منازل خود و عزیمت به مناطق امن شدند. «مگی» همچنین باعث قطع برق دو میلیون منزل مسکونی در تایوان شد و ۴۲۰ پرواز را در این جزیره لغو کرد. این توفان سهمگین که به مسیر خود به سمت چین ادامه می‌داد، شامگاه سه‌شنبه از استان «جه جیانگ» در جنوب شرقی، وارد این کشور شد و گزارش‌ها از بارندگی شدید و هوای توفانی در این منطقه حکایت دارد.

رخداد

نجات معجزه‌آسا پس از ۸۰ ساعت

● دو کوهنورد که از جمعه‌شب در جنگل‌های توسکستان گلستان مفقود شده بودند، پس از ۸۰ ساعت، زنده پیدا شدند. ساعت ۱۰ شب جمعه دوم مهر در پی اعلام گم‌شدن دو نفر از کوهنوردان به نام‌های محمد طاهری‌نسب ۵۵ ساله و مانی کردی ۲۲ساله در منطقه توسکستان، عملیات امداد و نجات تیم‌های هلال احمر برای پیداکردن آنها آغاز شد. تیم‌های عملیاتی سه شبانه‌روز در مناطق سرعلی‌آباد، دهنه قرن‌آباد، دیو دره، پاچنار، باغ‌شاه، زیلان، دشت اولنگ، دشت‌سوز، قزیمان و اُوِن که حیطه گسترده‌ای را شامل می‌شود، برای پیداکردن دو مرد کوهنورد به جست‌وجو پرداختند تا اینکه سرانجام صبح دیروز این افراد پس از ۸۰ ساعت عملیات جست‌وجو و نجات در منطقه دیو دره گرگان سالم پیدا شدند. در این مدت کوهنورد ۵۵ساله دچار مشکل نشده اما مانی ۲۲ساله دچار ضعف شده بود که به وسیله امدادگران به مراکز درمانی منتقل شد.

تصادف زنجیره‌ای ۱۱ خودرو در بزرگراه بسیج

● رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران از وقوع تصادف ۱۱ خودرو در بزرگراه بسیج خبر داد. سرهنگ مراد مرادی اظهار کرد: صبح دیروز در محور شمال به جنوب بزرگراه بسیج قبل از پل هجرت، یک دستگاه کامیون هیوندای به دلیل نقص فنی با ۱۰ دستگاه خودرو برخورد کرد و باعث ایجاد تصادف زنجیره‌ای و ترافیک در این منطقه شد. سرهنگ مرادی علت اصلی تصادف را نقص فنی خودروی کامیون اعلام کرد.

دستگیری سارق حرفه‌ای با ۳۰ فقره سرقت

● فرمانده انتظامی استان چهارمحال‌وبختیاری از شناسایی و دستگیری سارق حرفه‌ای داخل خودرو با ۳۰ فقره سرقت در شهرکرد خبر داد. سردار «غلامعباس غلامزاده» گفت: در پی وقوع چندین فقره سرقت داخل خودرو در سطح شهرستان شهرکرد، موضوع در دستور کار مأموران انتظامی این شهرستان قرار گرفت. وی با بیان اینکه مأموران با انجام اقدامات فنی و پلیسی، این سارق حرفه‌ای را شناسایی و دستگیر کردند، افزود: متهم در تحقیقات پلیسی به ۳۰ فقره سرقت داخل خودرو اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده تحویل مراجع قضائی شد.